

بررسی چگونگی شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع شهری (استان اصفهان)

محترم بهمنی^۱

دکتری جامعه‌شناسی، گرایش مسائل اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان، اصفهان، ایران

اصغر محمدی

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان، اصفهان، ایران

فصلنامه پژوهش‌های مکانی فضایی، سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۲۲، بهار ۱۴۰۱، صص ۵۳ - ۷۲

چکیده

تاریخ اجتماعی و سیاسی شهر تاریخ دفاع از امنیت شهر یا اجتماع شهری است؛ که این امنیت علاوه بر فضا، اجتماع انسانی را نیز در بر می‌گیرد و انسان در این گود و در همه زمینه‌ها من جمله زندگی شهری به دنبال معنا و ارتباط بوده که اگر این معنا و چگونگی ارتباط برایش نمود نداشته باشد احساس نامنی نموده و فضای شهر را ناامن و یا به‌نوعی بی‌دفاع احساس می‌کند؛ و اشکال بیگانگی در او نمود می‌یابد. به‌ویژه بیگانگی فضایی، بیگانگی جمعی و درنهایت بیگانگی از شهر. بیگانگی شهری و اشکال آن تحت تأثیر ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی شهرهای سرمایه‌داری و انواع حکمرانی ابزارهای به‌کارگیری در توسعه و تغییر و تحول در ریخت‌شناسی و فضای شهر و همچنین چگونگی ارتباط که نبض زندگی شهری را رقم می‌زند و نیز تأثیر پاراف آموزش تحت عنوان سرمایه اجتماعی، نمود می‌یابد. به نظر می‌رسد که عدم توجه به مؤلفه‌های مطرح‌شده، بر اساس فضاهای قابل دفاع و کارکرد برخی فضاهای قابل دفاع به فضاهای غیرقابل دفاع (تبدیل مکان‌ها به نامگان) جزء عوامل اصلی شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع در شهرهاست. در این پژوهش با روش تحقیق اسنادی، به دنبال این سؤال هستیم که آیا فضای و مکان‌های ناامن در جامعه ایران نمود دارد و اگر وجود داشته سیر آن چگونه بوده و به دنبال چه عواملی شکل گرفته است. سپس به بررسی معیارهای تدوین‌شده و برگرفته از نظریه‌ها و مقاله‌ها و کتبی که به‌نوعی مرتبط با موضوع مذکور بوده‌اند، پرداخته‌شده است. روش پژوهش توصیفی، ابزار جمع‌آوری اطلاعات بر اساس اسناد و مدارک و غیره، جامعه مورد مطالعه فضای بی‌دفاع استان اصفهان می‌باشد. نتایج و یافته‌های پژوهش برآمده از اسناد و مدارک و جمع‌آوری داده‌ها از منابع مختلف نشان می‌دهد، فضاهایی جزء ناامن‌ترین فضاها مطرح‌شده‌اند که با پهنه‌های نهایی مسائل جامعه هم‌پوشانی دارند.

واژگان کلیدی: فضای شهری، حکمرانی، طراحی محیطی و کالبدی، فضای بادفعا، فضای بی‌دفاع، مکان و نامکان.

۱. ایمیل نویسنده مسئول: Mohtaram.bahmaie2@gmail.com

سیطره خود قرارداد و منشاء رفتارهای خشونت طلب و خشونت‌زا همراه با جرائم و انواع آسیب‌ها گردید و فاصله اجتماعی را به مرز فاصله فیزیکی نیز ترکیب نمود و یک ناهمگونی و نابسامانی در فضای شهری ایجاد گردید و فضای امن شهری اعم از فیزیکی، اجتماعی، کالبدی و رفتاری و کنشی به فضای ناامن رقم خورد و مکان‌های اسکان شهری را به لامکان‌ها تبدیل نمود؛ و امنیت حاصل از شرایط قبل را به ناامنی در شهر و فضای آن تبدیل نمود؛ و به‌طور نسبی فضای بی‌روح و سرد بر شهر و زندگی شهری حاکم شد و امنیت زندگی اجتماعی را به مخاطره انداخت. این نامکان‌ها در عصر جدید هویت تازه‌ای را رقم زد و فضای امن و مکانی شهر که رابطه‌مند و هویت‌مند بود را دستخوش تغییرات اساسی نمود؛ و در این وادی انسان انزوا را برگزید و ناپایداری و روزمرگی در او نمود یافت. این فضای شهری متأثر از تحولات عصر صنعتی شدن، شهری شدن و نرخ روبه رشد جمعیت همراه با دگرگونی‌ها و تغییرات حاصل، از تولیدات عصر مدرنیته است که اژه نیز تاحدودی به بعضی از جنبه‌های مذکور به آن اشاره نموده است.

از طرفی حس تعلق فرد در مکان تجلی می‌یابد، مکانی که با نمادها هویت می‌یابد. نمادهایی ملموس و نمایان که حامل پیام‌ها و دستوراتی برای افراد است نمونه عینی و ساده‌انگارانه این دستورات و پیام‌ها مانند تابلوهای راهنمایی و رانندگی، اتیکت‌های مکتوب و سایر موارد که پیوند و ارتباط با محیط را در فرد تقویت می‌کند؛ و این پیوند از طریق کشف معنا و تولید محتوی پیام‌ها بین محیط و افراد، افراد با همدیگر، ارتباط برقرار می‌کند؛ اما با پیدایش مدرنیته نوعی ناهماهنگی و تضاد در فضای شهری ایجاد شد که افراد را دچار سردرگمی نمود؛ و منشاء آسیب‌ها و خشونت‌های

تاریخ زندگی اجتماعی، تاریخ تجلی روابط اجتماعی در فضای شهری است؛ و نبض شهر تجلی تاریخ ارتباط اجتماعی در ابعاد مدیریت‌ها، چگونگی رشد و توزیع اطلاعات به‌ویژه در بحث تکنولوژی و رسانه (ارتباط در فضای مجازی) و ظهور دانش‌ها و افکار جدید می‌تپد که با ترکیب و تلفیق محتوی موارد ارتباطی علاوه بر تأثیر بر شکل‌گیری فضای شهر، باعث تغییر در فضای فیزیکی شهر، تحول و تنوع تمدن بشری، نمایش آمایش شهری و نقش فرهنگی را نیز در برمی‌گیرد. چنانچه تحولات اجتماعی همراه با رشد صنعتی و گسترش شهرنشینی و ازدیاد جمعیت به میزان قابل توجهی روابط اجتماعی را پیچیده‌تر نموده، هم فرهنگ رفتاری را متأثر کرده است و هم فضای شهر که محل ظهور روابط اجتماعی و فرهنگی بوده نقش پررنگ‌تری به خود گرفته است. گرچه فضای شهر مرکز مراودات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده و نقش عمده‌ای در همه ابعاد زندگی اجتماعی در طول تاریخ را داشته است؛ و به‌عنوان یک پدیده مهم در ساختار یک جامعه نقش قابل توجهی ایفا کرده است. نبض تاریخ هر جامعه با فضای شهر می‌تپد، اما ثقل این موارد با تغییرات سریع در هر عصر و زمان، شهر و فضای آن را دستخوش تغییر و تحول نموده و شهر همانند هر پدیده دیگر از این تحولات مصون نمانده و تغییرات آشکاری را در جوامع به خود دیده است. فضای شهر همانند سایر پدیده‌ها تحولات را پذیرا شد و از حالت و شرایط اولیه خود فاصله گرفت و تابع شرایط جدید گردید؛ اما غافل از اینکه این فضا اثر عمیقی بر روابط و تعامل انسان‌ها و اعتماد و باور آن‌ها بر همدیگر گذاشت؛ و ترس و واژه از این فضا را در افراد تقویت نمود و امنیت که از مؤلفه‌های توسعه پایدار است را زیر

شدید و در عین حال رفتارهای غیرقابل جبران که هم باعث تشدید جرم‌ها و هم زیان‌هایی برای افراد خصوصاً زنان و کودکان گردید. این فضاهای ناامن شهری در خلوتگاه‌ها، در خانه‌های نوساز و نیمه‌ساز، در ترمینال‌ها، در کوچه‌های بن‌بست و کوچه‌هایی تنگ و دور از دید، در ایستگاه‌های راه‌آهن، در فروشگاه‌های بزرگ، در خیابان‌ها و میدانی برون‌شهری، در بین حاشیه‌نشینان، در فضاها و مکان‌های فقیرنشین و همچنین در بین متمولان به‌نوعی دیگر و حتی خاموشی‌های نظام انفورماتیک نیروی برق و روشنایی‌ها و خاموشی‌های مکرر در دهه‌ی اخیر، در زمان برگزاری مناسبت‌ها، حکمرانی ضعیف (که مشمول مردم، نهادهای مدنی، دولت‌ها و حکومت‌ها) مبنی بر بی‌برنامگی و بی‌توجهی نسبت به امور و امنیت اشخاص در فضای شهری، منجر به تشدید جرم‌ها و جنایت‌ها و سوء قصد‌های افراد نسبت به هم گردید و امنیت شهر و آسایش و آرامش افراد را به خطر انداخت. شیوع رفتارهای پرخطر در فضاهای فیزیکی و خلوت‌گزینی‌های کاذب اجتماعی، تهدیدکننده سلامت و امنیت بشر است. همان‌گونه که انواع مصائب طبیعی مانند سیل و زلزله تا بیماری‌هایی چون کرونا امنیت و سلامت را تهدید می‌کند، فضاهای غیرقابل دفاع نیز با گسترش خشونت سلامت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد.

رشد و گسترش مداوم گرایش به خشونت، در ابعاد فیزیکی و اجتماعی شهرها و تبدیل شدن آن‌ها به مراکز ناهمگون جمعیتی، اجتماعی، ناموزونی کالبدی و شهری تأثیرات قابل توجه و در عین حال اجتناب‌ناپذیری را بر حیات بشری گذاشته است. به‌طوری که امروزه حیات انسان‌ها را درگیر رشد و گسترش آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاری‌های رفتاری نموده است؛ و انسان اسیر دست‌ساخته تولیدات خود اعم از فکری

و یدی شده این مسائل در همه جوامع ظهور و بروز می‌یابد و جامعه ما نیز فارغ از این معضلات نبوده است. چنانکه در بین شهرهای کشور، کلان‌شهرهایی مانند تهران، اصفهان، مشهد و تبریز و غیره به علت شرایط خاص کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر آن‌ها، با نرخ بالای ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی و خشونت‌های شهری مواجه هستیم.

بیان مسئله: موضوع شهر و فضاهای شهری از دیرباز تاکنون مورد توجه حکمرانان، سیاستمداران، تاجران و کارگزاران شهری و صاحب‌نظران بوده است. از زمانی که انسان برای بقا و تأمین معاش خود با وسایل ابتدایی و دست‌ساز به مقابله با عوامل طبیعی پرداخت و زمانی که با اندیشه، به وادی ساخت ابزار پیشرفته وارد دنیای دیگر یا عصر صنعتی گردید و استفاده از تکنولوژی را در فرآیند زندگی و فضای شهری تسری بخشید و رؤیای ایجاد فضای شهر الکترونیکی را در خود تقویت می‌کرد، به امنیتی نظر داشت که بتواند زمینه آسایش و آرامش را برای خود فراهم کند؛ و احساس امنیت روانی و فیزیکی را تقویت کند. در همین راستا و به تناسب این دستاوردها در بسیاری از پدیده‌ها تغییرات محسوسی ایجاد شد. روابط اجتماعی پیچیده‌تر شد و جایگزین تعاملات رو در رو و محسوس گردید. شهرنشینی گسترش یافت و توسعه شهری از بعد فضا و مکان برای امنیت و آسایش شهروندان رقم خورد. رشد شهرنشینی و توسعه شهری بر چگونگی روابط اجتماعی و امنیت شهروندان بی‌تأثیر نبود؛ و این دگرگونی‌ها در ابعاد مختلف مبحث امنیت را پررنگ‌تر جلوه‌گر ساخت و نمود عینی و ذهنی موضوع امنیت و توجه به آن را بیشتر مورد نظر قرار داد.

امنیت، رضایت شهروندی و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را در ساختار شهری به همراه دارد؛ که

علاوه بر میزان و حدود واقعی امنیت از طریق برآورد داده‌های آماری، از میزان رضایت و نارضایتی همراه با صحت سنجی، نیاز به برنامه‌ریزی‌های منسجم احساس می‌شود که بتوان فضای بی‌دفاع و ناامن شهری را به مکان‌های امن تبدیل کرد. استدلال جهت این برنامه‌ریزی‌ها و راه‌حل‌های مؤثر به این دلیل است که در فضای بی‌دفاع امنیت شهر به مخاطره می‌افتد و به شکل‌گیری انواع آسیب‌ها و خشونت‌ها و انحرافات و جرم‌ها منجر می‌شود؛ و با این راه‌حل‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، شاهد کاهش آسیب‌های ناشی از این فضاهای شهری خواهیم بود.

پروفسور "دوئل"، استاد دانشگاه برکلی در مطالعه‌ای که درباره‌ی تأثیر فضاهای شهری بر سلامت روانی ساکنان شهری انجام داده است، "شهر سالم" را چنین تعریف می‌کند: شهر سالم محیط اجتماعی و کالبدی با چنان امکاناتی است که انجام کلیه‌ی فعالیت‌های زندگی را به سهولت و با کارایی مطلوب امکان‌پذیر سازد (بحرینی، ۱۳۶۸: ۸۴). بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های مختلف در باب اهمیت اجتماعی فضاهای شهری تأکید کرده‌اند چراکه این‌گونه فضاها موجب تسهیل روابط اجتماعی و پالایش ساخت اجتماعی می‌گردند، موجب گسترش حس اطمینان و اعتماد گردیده، بر امنیت و کنترل اجتماعی می‌افزایند. کانون تمرکز اجتماع و محل بروز و ظهور رفتارهای اجتماعی ساکنان هستند. فرآیند اجتماعی شدن افراد را تسهیل نموده، عرصه‌ی مهم اعمال و هنجارها و موازین اجتماعی؛ و میدانی برای شکل بخشیدن به روابط انسان و برقراری ارتباط به شیوه‌ی نمادگرایانه هستند (پارسی، ۱۳۷۹: ۲).

در مقاله انجام پذیرفته توسط کلانتری و همکاران در خصوص خشونت و ناهنجاری، یکی از مهم‌ترین مسائل تهران میزان بالای وقوع خشونت و جرم و جنایت و

ناهنجاری‌های اجتماعی در این کلان‌شهر است (کلانتری، ۱۳۹۲: ۱۰). ضرورت بررسی این پدیده برای کلان‌شهری مانند اصفهان از زوایای مختلف حائز اهمیت است. با توجه به جایگاه و نقش در شهرسازی و معماری شهری و تأثیر کارکرد این کلان‌شهر در مدیریت نظام سیاسی، اداری، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی هرگونه دگرگونی و تغییری که منجر به ایجاد فضایی ناامن گردد می‌تواند امنیت آن را با خطر مواجه کند؛ ضمن اینکه ناپایداری فضای شهری چه در بعد فیزیکی و چه اجتماعی در برخی مکان‌ها در اصفهان به لحاظ الگوسازی اجتماعی و تأثیرگذاری بر سایر شهرهای آن می‌تواند، زمینه‌ساز بسیاری از رفتارها و کنش‌های آسیب‌زا باشد؛ و حوزه اجتماعی شهر را اعم از مناسبات، عملکردها، میزان جرم و جنایت، خشونت و خصوصاً بی‌تفاوتی و بی‌اعتمادی اجتماعی را تقویت کند و جهت بازسازی هزینه زمان نامحدود گردد.

فضاهای بی‌دفاع علاوه بر بروز آسیب‌های اجتماعی و خشونت‌های شدید، کیفیت زندگی شهروندان و امنیت و آسایش خاطر آن‌ها را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین سیاق امنیت و آسایش افراد در محیط زندگی از اهمی است که نیاز به توجه از سوی برنامه‌ریزان شهری دارد.

چنانکه لیتون در مدل خود برای درک محیط ساخته‌شده، نیازهای اساسی انسان را شرح می‌دهد و امنیت را به‌عنوان نیاز اساسی انسان‌ها در نظر می‌گیرد و مازلو نیز در سلسله‌مراتب نیازها که از قوی‌ترین تا ضعیف‌ترین را پیشنهاد کرده، بر نقش امنیت تأکید کرده است و آن را پس از نیازهای فیزیولوژیک در مرتبه‌ی دوم قرار داده و مهم‌ترین نقش محیط ساخته‌شده و فضاها را ایجاد سرپناه و امنیت عنوان کرده است (لنگ، ۱۳۸۳: ۹۶). با مطالعه عمیق بر روند فضای

شهری، نوعی بی‌شکلی و نابسامانی که مظهر و نمود فضاهای بی‌دفاع است، خود نیز مدخل انواع آسیب‌ها و خشونت‌های اجتماعی، فرهنگی و غیره است شایان توجه است. رشد جمعیت و گسترش فضای فیزیکی، فرسایش و تخریب مناطق قدیمی و احیای فضاهای شهری در کلان‌شهرها، هجوم مهاجران و غیره منجر به رشد و گسترش فضاهای بی‌دفاع شهری گردید که بی‌برنامگی در اصول زیرساخت شهری نیز این مهم را به مخاطره انداخت؛ که هم عامل افزایش خشونت و انواع آسیب‌ها گردید و هم چگونگی تعاملات انسانی را دگرگون ساخت و واکنش و عملکرد رفتاری شهروندان را نیز متأثر ساخت؛ و نوعی بی‌اعتمادی به همدیگر را در آن‌ها تقویت نمود؛ و منجر به بی‌رغبتی از زندگی شهری، فاصله گرفتن از فضاهای خاص، کم‌رنگ شدن اعمال جمعی و ... گردید.

هدف از پژوهش: طراحی و برنامه‌ریزی در فضایی امن جهت تنظیم ارتباط بین انسان و فضایی است که در آن اسکان دارد؛ و تبیین و شناسایی فضاهای امن و بادفاع شهری است که چگونه موجب امنیت، اعتماد و آسودگی شهروندان می‌شود و همچنین تبیین و شناسایی فضایی امن که بی‌دفاع شهری مؤثر بر خشونت تبیین و شناسایی فضای مکانی و فیزیکی شهری مؤثر بر خشونت و رفتارهای پرخطر و آسیب‌زاست. هدف از آن تنظیم، بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌ها در ارتباط فی‌مابین فضا و ساکنان یا همان انسان‌هاست. همچنین بی‌توجهی نسبت به مسائل شهری و عملکرد کارگزاران شهری در چگونگی بافت شهر در طراحی کالبد فضای شهری می‌باشد که عدم توجه به این مقوله محیط شهر را ناامن و بی‌دفاع می‌کند و منجر به ترس مردم از حضور در این فضاها گردیده و علل شکل‌گیری فضای ناامن و بی‌دفاع در شهرها و چگونگی جلوگیری از ایجاد

این فضاها می‌شود؛ که تحقق این امر با حکمرانی خوب در اندیکاتورهای مردم، نهادهای مدنی، بخش خصوصی و به‌ویژه دولت در توسعه پایدار فضای شهری صورت می‌پذیرد. ضرورت دارد که بتوان با ایجاد فضای امن شهری و جلوگیری از فضاهای ناامن شاهد کاهش آسیب‌ها و انحرافات، خشونت‌ها و جرم‌ها باشیم و حس بی‌اعتمادی در ارتباط با دیگران را به اعتماد تبدیل کنیم و ترس ناشی از وجود فضاهای ناامن را از بین ببریم؛ و این مهم زمانی عملیاتی خواهد شد که ما شاهد حکمرانی خوب از سوی دولت‌مردان، مردم، نهادهای مدنی و بخش خصوصی باشیم که با همکاری و با شیوه‌ای کاربردی به طراحی شهری بپردازیم و از تمام ظرفیت‌های موجود اعم از سیستم‌های فنی، پیشرفت‌های الکترونیکی و مجهز به سلاح علم، متأثر از بینش‌های صاحب‌نظران و اندیشمندان و قشر مرجع دانشگاهی صرف، از نظر بینش‌های همسو در حوزه فکری در مقام علم قدم برداریم.

سؤالات پژوهش

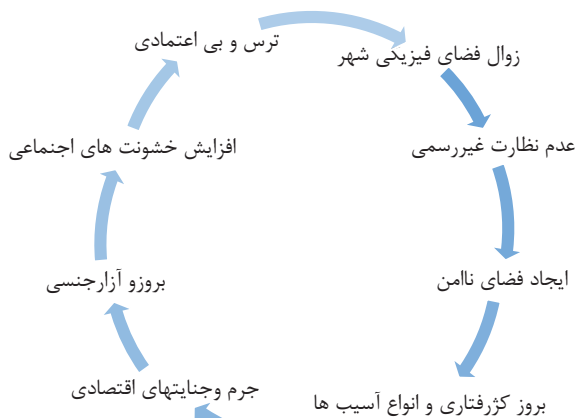
- ۱- آیا فضاهای شهری می‌تواند خشونت ایجاد کند.
- ۲- آیا فضای ناامن و مکان‌های ناامن در جامعه ایران نمود دارد؟
- ۳- چه عواملی در بی‌دفاع شدن فضاهای شهری دارای نقش بیشتری هستند؟

مبانی نظری

تعاریف

فضای شهر: فضای شهر صحنه‌ای است که فعالیت‌های عمومی و حتی اختصاصی زندگی شهری در آنجا به وقوع می‌پیوندد و با حضور و روابط شهروندان باهم تداوم می‌یابد.

فضاهای بی‌دفاع شهری: فضاهای بی‌دفاع شهر، فضاهایی از شهر است که به دلیل مشکلات اجتماعی



شکل شماره (۱): چرخه فرآیند فضای بی دفاع شهری

بودن شهر و فقدان نظارت مناسب فیزیکی و اجتماعی فضاهایی به وجود می‌آیند که فعالیت‌های غیرمجاز و متعارض با هنجارهای جامعه در آن نقاط صورت می‌گیرد و اثرات نامطلوبی بر پیکر جامعه می‌گذارد و منجر به حادث شدن انواع خشونت‌ها می‌شوند (راپوپورت، ۱۳۸۴: ۵۸).

فضاهای بی دفاع شهری چه فضایی است؟

فضاهای بی دفاع شهر، فضاهایی از شهر است که به دلیل مشکلات اجتماعی یا کالبدی، زمینه بیشتری را برای ارتکاب جرم فراهم می‌کند و چنانچه بدون مدیریت برنامه‌ریزی رها شوند موجب افت شدید کیفیت زندگی شهری می‌شوند. عوامل متعددی بر وقوع و گسترش مشکلات و جرم و جنایت در شهرها مؤثر است که یکی از آن‌ها فضاهای بی دفاع یا جرم‌خیز هستند. این فضاها به واسطه مشکلات کالبدی یا ویژگی‌های اجتماعی، محل وقوع جرم و جنایت هستند و در بروز مشکلات اجتماعی نیز تأثیر زیادی دارند. بروز جرم و جنایت به دلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و معاش مردم است اما عوامل کالبدی نیز می‌تواند زمینه‌ساز و تقویت‌کننده جرم و جنایت در فضایی از شهر شود و آن فضا را برای

یا کالبدی، زمینه بیشتری را برای ارتکاب جرم فراهم می‌کند و چنانچه بدون مدیریت و برنامه‌ریزی رها شوند موجب افت شدید کیفیت زندگی شهری می‌شوند. عوامل متعددی بر وقوع و گسترش مشکلات و جرم و جنایت در شهرها مؤثر است که یکی از آن‌ها فضاهای بی دفاع یا جرم‌خیز هستند. این فضاها به واسطه مشکلات کالبدی یا ویژگی‌های اجتماعی، محل وقوع جرم و جنایت هستند و در بروز مشکلات اجتماعی نیز تأثیر زیادی دارند. بروز جرم و جنایت به دلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و معاش مردم است اما عوامل کالبدی نیز می‌تواند زمینه‌ساز و تقویت‌کننده جرم و جنایت در فضایی از شهر شود و آن فضا را برای اقشاری از مردم به‌ویژه زنان و کودکان ناامن‌تر کند زیرا این گروه از اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه هستند. فضاهای بی دفاع فضاهایی هستند که امکان اتفاق افتادن آسیب اجتماعی در آن‌ها بیشتر از فضاهای دیگر است یا فضاهایی هستند که از نظر حفاظتی مرده ولی از نظر اتفاق افتادن مسائل ناهنجار فضایی فعال و زنده هستند. این فضاها معلول رخدادهایی هستند که در شهر رخ می‌دهند زیرا به علت بزرگ شدن یا بزرگ

اقتشاری از مردم به‌ویژه زنان و کودکان ناامن‌تر کند زیرا این گروه از اقتشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه هستند (عرب‌زاده، ۱۳۹۹).

فضای قابل دفاع: فضای قابل دفاع بنا به تعریف نیومن، واژه‌ای است برای سلسله‌ای از نظام‌های فضایی شامل: شامل موانع واقعی و نمادین که در کنار هم، محیط را به کنترل ساکنان درمی‌آورد. حوزه‌های تعریف‌شده و امکان مراقبت بیشتر در این فضا به فعالیت‌های مجرمانه کمتر اجازه وقوع داده می‌شود. فضای قابل دفاع در واقع به بررسی تأثیر رفتار اجتماعی تولیدشده از منظر برنامه‌ریزی، طراحی و معماری می‌پردازد. فضای قابل دفاع، بر خودباوری و مشارکت مردم تکیه دارد (نیومن، ۱۳۸۷: ۳۱).

مکان: بنا بر نظریات اژه، مکان محدوده مشخصی است که در آن مجموعه‌ای از فعالیت‌های قابل‌شناسایی صورت می‌گیرد. فضا عبارت از گرد هم آمدن مکان‌هایی متنوع که تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر فضا را شکل می‌دهد و فرا مدرنیته معادل عصری است که در آن قسمت‌هایی از مکان‌ها در فضا به نامکان تبدیل می‌شود. مکان در واژگان اژه، هویت‌مند، رابطه‌مند و دارای تاریخ است و بر این اساس، تحقق نامکان درون فضاهایی شکل می‌گیرد که از هویت، تاریخ و ارتباط تهی باشند. شکل‌گیری نامکان با این مشخصات یکی از محصولات عصر فرامدرنیته است (اژه، ۱۳۸۷: ۱۲).

حکمرانی: حکمرانی در ناب‌ترین شکل خود، ساختارها و فرآیندهای تصمیم‌گیری را توصیف می‌کند که به یک دولت، سازمان، یا گروهی از مردم اجازه می‌دهد اموری را انجام دهند؛ بنابراین حکمرانی برابر با دولت نیست؛ و نمی‌توان حکمرانی را تنها به دولت و روابط بین دولت‌ها فروکاست بلکه بسیار فراتر از آن است. (مقدری، ۱۴۰۰، ۱۹ و ۲۰) تعریف برنامه و توسعه

سازمان ملل متحد از حکمرانی نه تنها شامل دولت، بلکه شامل بخش خصوصی و جامعه مدنی نیز می‌شود؛ و نقش دولت به منظور ایجاد یک فضای پایدار سیاسی و حقوقی که منجر به توسعه پایدار گردد در نظر گرفته می‌شود. (مقدری، ۲۰۲۰: ۱۴۰).

نظریه‌ها و نظریه پردازان

صاحب‌نظران مکتب شیکاگو جزو اولین کسانی بودند که به مسأله شهر و بی‌سازمانی‌های موجود در آن اشاره کرده‌اند رابرت پارک و برجس بر این باور بودند که در منطقه انتقالی شهر به دلیل سطح بالای تحرک جمعیت، ناپایداری جمعیتی، مهاجرپذیر بودن، گمنامی افراد، خانه‌های مخروبه، ازدحام جمعیت و غیره بالاترین نرخ جرم و بزهکاری مشاهده می‌شود و منطقه نامنی محسوب می‌گردد. هنری مک کی معتقد بود که کثرت‌فتری‌ها در این نقطه از شهر به این دلیل رخ می‌دهد که کنترل اجتماعی غیررسمی مانند افکار عمومی و نظارت همگانی آن‌قدر قوی نیست که از پیدایش و بروز ناپهنجاری جلوگیری کند (احمدی، ۱۳۸۷: ۸۳). یا روانشناسان اجتماعی مثل رابرت زمر نظریه محیط مناسب جهت ارتکاب به انواع خشونت‌ها را مطرح می‌کنند انتخاب جایگاه ویژه در گروه‌های کوچک تابع تکلیف از یکسو و شرایط فیزیکی از سوی دیگر می‌شود برای مثال گروه معتادین در انتخاب مکانی برای استفاده از مواد مخدر، جیب‌برها برای سرقت، کارتن خواب برای خواب، تحت تأثیر شرایط فیزیکی - اجتماعی، جایگاه خاصی را جهت به فعل رساندن نیاز و نیت خود انتخاب می‌کنند (صالحی، ۱۳۸۷: ۱۱۲). دیوید چپمن معتقد است خصوصیات کالبدی فضا، مستعد تأثیرگذاری بر رفتار هستند چرا که وضع و شکل فضا می‌توانند در ایجاد آسایش یا ناراحتی مؤثر باشد. هر چه ارتباط بین فعالیت‌های

از نظر وی چنین فضاهایی، بستر مناسبی را برای بروز رفتارهای خشن فراهم می‌کنند. اگر اولین بحث‌ها پیرامون رابطه ناهنجاری و فضای شهری در شهر شیکاگو و توسط مکتب شیکاگو در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ میلادی شکل گرفت، اما اولین تئوری‌های منجمس که بر جنبه محیطی جرائم تأکید داشتند در دهه ۶۰ میلادی شکل گرفتند که در ذیل به چند مورد اشاره می‌شود: فضاهای قابل دفاع- نظریه پنجره‌های شکسته- پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی- پیشگیری موضعی از جرم- نظریه انتخاب عقلانی- نظریه فعالیت روزمره- نظریه الگوی جرم- جرم‌شناسی محیطی؛ اما در اوایل دهه ۹۰ میلادی رویکردی جدید در جرم‌شناسی محیطی پدید آمد که منجر به ظهور مفاهیم و روندهایی جدید در این حیطه می‌شود تحت عنوان: الف) نظریه گرامر فضا (ب) شهرگرایی جدید.

تئوری فضاهای قابل دفاع: فضاهای قابل دفاع نظریه‌هایی در حیطه طراحی می‌باشد که بر نحوه سکنی‌گزینی شهروندان و تجربه‌ها و از استفاده فضا اشاره دارد؛ آنچه الهام بخش و سرمنشأ اصلی این تئوری بوده است. مشاهدات و نوشته‌های اسکار نیومن از فضاها و مکان‌ها می‌باشد. قلمروگرایی، نظارت، تعریف مرز، تصویر و فضای اجتماعی چهار اصل نظریه فضاهای قابل دفاع می‌باشد.

نظریه پنجره‌های شکسته: تئوری «پنجره‌های شکسته یا» جام شکسته توسط ویلسون و کلینک مطرح شد. این نظریه حکایت از این دارد که پیوند مستقیمی میان ظاهر آشفتنه و بی‌نظمی خیابان‌ها و ساختمان‌ها و وقوع جرم وجود دارد. اگر حتی یک پنجره شکسته در یک محله بدون تعمیر، به همان حال باقی بماند می‌تواند نشانه و پیامی برای مجرمان بالقوه باشد که پلیس و

ساختمان‌ها و خیابان‌ها بیشتر باشد خیابان‌ها امنیت بیشتری می‌یابند. مغازه‌های رو به خیابان، خانه‌های مسکونی دارای بالکن، مواردی هستند که احساس امنیت را ایجاد می‌کنند. دیوارهای بلند، ساختمان‌های بدون استفاده، کوچه‌های تنگ و باریک همگی نوعی احساس اضطراب و ترس به استفاده‌کنندگان از فضا منتقل می‌کنند (چپمن، ۱۳۸۶: ۱۷۹-۱۷۸).

جاکوبس در کتاب «زندگی و مرگ شهرهای آمریکا» به عوامل بازدارنده فضایی و کالبدی اشاره می‌کند شاید بتوان گفت که در هر فضای شهری مفروض، مقدار معینی از خشونت وجود دارد ولی برخی فضاهای شهری فرصتی برای خشونت باقی نمی‌گذارند اما برخی دیگر این‌گونه نیستند و فرصت خشونت زیادی را فراهم می‌سازند (Jacobs, ۱۹۸۱: ۴۳). جاکوبس بر نقش ساکنین (چشم‌های در خیابان) و پهنه‌ای که آن‌ها مراقبت می‌کنند تأکید می‌کند تا یک اندازه ناشی از روح اجتماع آنان و تا یک اندازه نیز ناشی از طراحی ساختمان‌ها که یک عامل نظارتی است، می‌باشد.

راجر ترانسیک در کتاب خود با عنوان «بازیابی فضاهای گمشده» (نظر خود را پیرامون فضاهای شهری بدین گونه بیان می‌کند: کشف فضاهای گمشده به مسئله فضاهایی بی‌استفاده یا فضاهایی که استفاده کافی از آن‌ها به عمل نمی‌آید توجه می‌کند. از نظر او فضاهای شهری بی‌استفاده فضاهایی هستند که هیچ‌گونه اثر مثبتی در محیط اطراف و استفاده‌کنندگان ندارند فضاهایی که به‌طور ضعیفی تعریف شده‌اند. مرز و محدوده قابل اندازه‌گیری ندارند و میان عناصر شهر پیوستگی ایجاد نمی‌کنند. این فضاها بقایای زمینهای اطراف ساختمان‌های مرتفع، میدان‌های بدون استفاده، پارکینگ‌ها و زمین‌هایی است که در حاشیه راه‌ها وجود دارد و بدون حضور انسان رها شده‌اند (Trancik,

اهل محل اعتنایی به اوضاع محل ندارند. پنجره‌های شکسته ممکن است با نشانه‌های دیگری از آشفتگی و بی‌نظمی همراه باشد مثل دیوارهای کثیف، خرابی، ماشین‌های اوراق، زباله غیره آنگاه چنین منطقه‌ای فرآیند تدریجی انحطاط و زوال را آغاز می‌کند.

تئوری پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED): این نظریه با تمایز از هسته تئوری معماری گونه فضاهای قابل دفاع توسط ری جفری در واکنش به ناکارآمدی دستگاه قضایی و جنایی در پیشگیری از جرم طرح‌ریزی شد. جفری در دهه هفتاد نوشته‌های خود را متمرکز بر رابطه میان انسان و محیط کرد تا بدین ترتیب بتواند راهی برای فائق آمدن بر جرائم از خلال محیط پیرامون بیابد. اگرچه توجه نظریه (CPTED) علاوه بر واحدهای مسکونی که در نظریه فضاهای قاب دفاع مورد تأکید قرار گرفته بر فضاها و کاربری‌های ارضی دیگر نیز بسط یافته است. در پژوهشی دیگر کرو، استراتژی اصلی نظریه (CPTED) را تشخیص داده است. تلاش در شناسایی علل وقوع خشونت و علل زمینه‌ساز، سبب توجه به تأثیر ابعاد فضایی وقوع جرائم شده است و نظریه پردازان و متولیان مبارزه با جرائم توجه خود را به خصوصیات و ویژگی‌های محیطی در کنترل و پیشگیری از خشونت و جرائم مبذول داشته‌اند. ایده‌ی اصلی تأثیر فضاها در خشونت و پیشگیری از خشونت از طریق تغییر فضا برای نخستین بار از سوی نیومن و جیکوبز شکل گرفت. کل هدف این ایده کنترل جرم پیش‌تر از کنترل مجرم بود. چشمان محققان بر روی فضاهای فیزیکی متمرکز بود و رابطه‌ی فضا با جرم سؤال مرکزی بود (تیموئی، ۲۰۰۶: ۱۷۴). چرا در بعضی از مکان‌ها جرائم و خشونت‌های بیشتری رخ می‌دهد؛ چرا در بعضی فضاها نوع خاصی از خشونت

بیشتر رخ می‌دهد، یا افراد از آن مکان و فضاها ترس بیشتری نسبت به فضاهای دیگر دارند؟ (تایلور و همکاران، ۱۹۸۴: ۳۰۳).

پیشگیری از خشونت ایجاد تغییرات در فضاهای شهری را می‌توان طراحی مناسب و کاربری مؤثر از فضا و محیط ساخته شده که به کاهش فرصت‌های مجرمانه، ترس از جرم و بهبود کیفیت زندگی منجر می‌شود، تعریف کرد. این تئوری مبتنی بر این اندیشه است که رفتار انسانی دارای بُعد فضایی است و در یک محیط فیزیکی و اجتماعی رخ می‌دهد. این تئوری تأکید می‌کند که با طراحی مناسب، بهینه‌سازی فرصت‌های نظارت، تعریفی مشخص و واضح از محیط و ایجاد تصویری مثبت از محیط می‌توان از وقوع خشونت جلوگیری کرد. نظریات مطرح‌شده در این قالب در سه دسته ارائه شده‌اند: دسته اول تأکید بیشتر بر محیط فیزیکی دارند و در تبیین روابط، فرآیندها و پدیده‌های اجتماعی، فضا را تعیین کننده می‌دانند و دنیای اجتماعی را بر حسب مقولات و تمایز فضایی آن‌ها تحلیل می‌کنند. بر این اساس، بر تغییر در ابعاد فیزیکی فضاهای شهری تأکید دارند. تلاش جغرافیدانان و معماران در این طبقه قرار می‌گیرند. در حالی که دسته دوم محیط اجتماعی را با اهمیت می‌دانند و در نقطه مقابل دیدگاه اول بوده، در تبیین روابط و پدیده‌های اجتماعی، عوامل غیرفضایی ذهنی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را عمده می‌کنند و بر تغییر در ابعاد غیر فیزیکی فضاهای شهری برای کنترل خشونت تأکید دارند. بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی در این طبقه قرار می‌گیرند (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۵-۱۴)؛ اما در دهه‌های اخیر نظریات متعادل‌تری که در بین این دو طیف قرار دارند مطرح‌شده است که سعی در استفاده از هر دو دسته دیدگاه در تبیین علت فضایی وقوع

خشونت دارند و ایجاد تناسب بین ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی فضاهای شهری را عاملی مهم در جلوگیری از خشونت می‌دانند.

نظریات و رویکردهای مطرح‌شده درباره‌ی تأثیر فضاهای بی‌دفاع شهری در بروز خشونت و در نتیجه راهکارهای کنترل و کاهش جرائم نیز با تأثیرپذیری از این سه رویکرد عنوان شده‌اند؛ یعنی تعدادی از نظریات به‌طور مجزا بر نقش ویژگی‌های فیزیکی فضاها در بروز خشونت تأکید دارند و در مقابل تعدادی نیز بر بُعد اجتماعی تأکید دارند و نظریاتی نیز در بین این دو طیف قرار داشته، بر هر دو بُعد فیزیکی و اجتماعی فضاهای بی‌دفاع و آلوده در بروز خشونت تأکید دارند. از جمله‌ی این نظریه‌پردازان که بر هر دو بُعد تأکید دارد، اُسکار نیومن است که «فضای قابل دفاع» را مطرح کرده است. به عقیده‌ی وی، ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی طراحی با ایجاد ادراک در ناظر، به‌واسطه این ارزیابی که محیط در برابر جرم دفاع شده است، در مقابل این ارزیابی که در مقابل جرم آسیب‌پذیر است، در جرم مؤثر واقع می‌شود. ویژگی‌های فضاهای قابل دفاع شامل: مرزهای واقعی، مرزهای نمادین و فرصت‌های نظارتی است. به نظر وی آنچه در فضای ناآشنای مناطق کلان‌شهری بدان نیاز است، فضای قابل دفاع با تراکمی متوسط است؛ جایی که ساکنان محل را در دست دارند، کنترل می‌کنند و از رفتار جنایی پیشگیری می‌کنند (نیومن، ۱۹۹۶: ۵۴).

جین جاکوبس نیز بیان می‌کند که فضاهای شهری به گونه‌های متفاوت، سهم متفاوتی در خشونت و ترس از خشونت دارند. برخی فضاهای شهری فرصتی برای خشونت باقی نمی‌گذارند، اما برخی دیگر این‌گونه نیستند و فرصت‌های خشونت زیادی را فراهم می‌سازند (جیکوبز، ۱۳۸۶: ۳۵). به عقیده‌ی جان لنگ

قرارگاه‌های رفتاری دارای دو عنصر اساسی‌اند:

۱- محیط فیزیکی: محیط فیزیکی ساختاری کالبدی است، مرکب از سطوح مرتبط به هم و متشکل در الگوهایی خاص که فضاهای باز و سبزه، ساختمان‌ها، اتاق و چیدمان فضا را تشکیل می‌دهند.

۲- الگوی شاخص رفتار که در آن رفتار فضایی مردم تا حدودی تحت تأثیر تصاویر ذهنی از ساختار محیط است. ساختار محیط به میزان زیادی بر جهت‌یابی مردم در میان ساختمان‌ها، محله‌ها و شهرها اثر می‌گذارد. مسیریابی در بعضی از محیط‌ها آسان‌تر از محیط‌های دیگر است و جنبه‌های اجتماعی و روانی جهت‌یابی، عوامل مهمی در احساس امنیت فردی هستند (لنگ، ۱۳۸۳: ۱۵۳). به نظر دیوید چپمن فضاها معمولاً زمانی تأثیرگذارترند که به‌روشنی تعریف شده باشند، چرا که فضاهای تعریف شده در نوع تجربه‌ی فضا و احساسات امنیت و مطبوع بودن مشارکت دارند. وی فضاهای شهری تعریف شده را دارای ویژگی‌های توالی، تنوع، شگفتی و مجرد بودن و احساس محصوریت می‌داند تا بتوانند امنیت و احساس امنیت ایجاد کنند (چپمن، ۱۳۸۶: ۱۷۹).

راجر ترانسیک در کتاب خود با عنوان کشف فضاهای گمشده به مسئله فضاهای بی‌استفاده یا فضاهایی که استفاده‌ی کافی از آن‌ها به عمل نمی‌آید، توجه می‌کند. از نظر او فضاهای شهری بی‌استفاده، فضاهایی هستند که هیچ‌گونه اثر مثبتی در محیط اطراف و استفاده‌کنندگان ندارند، فضاهایی که به‌طور ضعیفی تعریف شده‌اند، مرز و محدوده‌ی قابل اندازه‌گیری ندارند و میان عناصر شهر پیوستگی ایجاد نمی‌کنند و هیچ‌کس به حفظ آن‌ها اهمیت نمی‌دهد و به‌ندرت استفاده می‌شوند (ترانسیک، ۱۹۸۶: ۲۰۰-۱۱۸). یکی از نظریه‌پردازانی که بر ابعاد اجتماعی فضاهای

بی دفاع تأکید دارد، پیتر دیکنز است. به نظر وی محل، محیط فیزیکی است که در آن تعامل رخ می‌دهد و فضایی است که برای کاربرد خاصی تعبیه شده است. به عقیده‌ی وی، فضای فیزیکی در تأثیر بر زندگی مردم و مواجهه‌ی آن‌ها با روابط و فرآیندهای اجتماعی بسیار مهم است. محیط اطراف مردم به وسیله نظام‌های اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود. در اندیشه‌ی دیکنز فاصله‌های فیزیکی بین مردم و تخصیص فضاهای فیزیکی به انواع خاص فعالیت‌های اجتماعی، تأثیراتی بر فرآیندها و روابط اجتماعی دارد. فضاهای مختلف برای فعالیت‌های خاص به لحاظ اجتماعی تخصیص می‌یابند. محله حامل نمادها و معانی اجتماعی مقبول‌اند که به‌طور قابل ملاحظه‌ای روابط اجتماعی را متأثر می‌سازند (افروغ، ۱۳۷۷: ۸۲). آرکلارک خیابان‌های مناطق فقیرنشین، مکان‌های فاقد گشت پلیس، مکان‌های مخروبه و متروکه، کوچه‌ها و خیابان‌های تاریک و خلوت، خانه‌های خالی، مکان‌هایی که سابقه‌ی خشونت و وندالیسم در آن‌ها بوده و بالاخره اشیاء و موضوع‌هایی که قبلاً در معرض تخریب قرار گرفته‌اند را فضاهایی می‌داند که احتمال بیشتری دارد خشونت و جرائم در آن‌ها رخ دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۶: ۱۶۴).

رابرت زمر نیز بیان می‌کند که انتخاب جایگاه تابع تکلیف از یک سو و ویژگی‌های روان‌شناختی و شرایط فیزیکی از سوی دیگر است. برای مثال، گروه معتادان در انتخاب جایگاهی برای استفاده از ماده‌ی مخدر، جیب‌برها برای سرقت و بزهدار برای انجام بزه، کارتن‌خواب برای خواب و غیره تحت تأثیر شرایط فیزیکی-اجتماعی، جایگاه خاصی را برای به فعل رساندن نیاز و نیت خود انتخاب می‌کنند، چرا که هر عملی با توجه به نوعش نیازمند مکانی مناسب از نظر اجتماعی و

فیزیکی است (مرتموی، ۱۳۸۰: ۶۹).

تیموئی در پژوهشی با عنوان زوال فیزیکی، بی‌نظمی و جرم ارتباط قابل توجهی بین بی‌نظمی و شرایط فیزیکی با جرم را نشان داده است که در آن رابطه‌ی مستقیم قوی بین بی‌نظمی و جرم و رابطه‌ی مستقیم متوسطی بین جرم با زوال فیزیکی وجود داشت. ویلسون و کلینک (۱۹۸۲)، در مطالعه‌ای با عنوان «پنجره‌های شکسته» در مجموع زوال فضای فیزیکی، مخصوصاً به همراه رفتارهای بی‌نظم را عامل وقوع جرائم و خشونت‌ها می‌دانند. به عقیده‌ی ویلسون و کلینک، زوال فیزیکی مجاور، در ترکیب با افزایش رفتارهای بی‌نظمانه، مکان‌هایی تولید می‌کند که برای جذب افرادی که مستعدِ غارتگری گوناگون - مانند رفتارهای مجرمان هستند جذاب است (تیموئی، ۲۰۰۶: ۱۷۴).

سالی مری در پژوهشی با عنوان فضاهای قابل دفاع بی‌دفاع، به بررسی رابطه‌ی جرم و فضاها پرداخته است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که نیمی از سرقت‌ها در مناطقی اتفاق افتاده‌اند که نیومن آن فضاها را مستعد جرم و خشونت معرفی می‌کند. این فضاها در یافته‌های مری شامل: فضاهای پرت و دورافتاده‌ی دور از دید، فضاهای تنگ و باریک، راهروهای کم‌نور بین ساختمان‌ها، شکاف‌های موجود که امکان برداشتن چیزی را می‌دهد، پیاده‌روهای در امتداد خیابان که با ستون‌های بتونی و فرورفتگی‌های ممتد درهم‌ریخته و بی‌نظم بود نیمی از جرائم رخ داده را به خود اختصاص داده بودند (مری، ۱۹۸۱: ۴۰۴).

نیومن و فرانک در سال ۱۹۸۰ در پژوهشی با عنوان فاکتورهای مؤثر در جرم و بی‌ثباتی، نشان دادند که دو عامل فیزیکی اندازه‌ی گسترش و تعداد خانواده‌های شریک در ساختمان و دو عامل اجتماعی درصد خانواده‌های تحت پوشش دولت و نسبت نوجوانان به

جدول شماره (۱): چارچوب نظری

سؤالات پژوهش	نظریه پرداز	شرح نظریه	پژوهش‌های پیشین
آیا فضاهای شهری می‌تواند خشونت ایجاد کند؟	آرکلارک	- به نقش خیابان‌های مناطق فقیرنشین، مکان‌های فاقد گشت پلیس، مکان‌های مخروبه و متروکه، کوچه‌ها و خیابان‌های تاریک و خلوت، خانه‌های خالی، مکان‌هایی که سابقه‌ی خشونت و وندالیسم در آن‌ها بوده و بالاخره اشیاء و موضوع‌هایی که قبلاً در معرض تخریب قرار گرفته‌اند در فضاهایی شهری تأکید دارد که احتمال بیشتری دارد خشونت و جرائم در آن‌ها رخ دهد.	خاموشی (۱۳۸۷)، بیلر (۲۰۱۱)
آیا فضای ناامن و مکان‌های ناامن در جامعه ایران نمود دارد؟	جاکوبس	- بر نقش ساکنین (چشم‌هایی در خیابان) و پهنه‌ای که از آن‌ها مراقبت می‌کنند تأکید می‌کند که تا یک اندازه ناشی از روح اجتماع آنان و تا یک اندازه نیز ناشی از طراحی ساختمان‌ها که یک عامل نظارتی است، می‌باشد.	محسن کلانتری (۱۳۹۲)، محسنی تبریزی و قهرمانی (۱۳۹۰)، خوشدل (۱۳۹۴)
چه عواملی در بی‌دفاع شدن فضاهای شهری دارای نقش بیشتری هستند؟	رابرت زمر	- او نظریه محیط مناسب جهت ارتکاب به انواع خشونت‌ها را مطرح می‌کند انتخاب جایگاه ویژه در گروه‌های کوچک تابع تکلیف از یکسو و شرایط فیزیکی از سوی دیگر می‌شود برای مثال گروه معتادین در انتخاب مکانی برای استفاده از مواد مخدر، جیب برها برای سرقت، کارتن خواب برای خواب، تحت تأثیر شرایط فیزیکی - اجتماعی، جایگاه خاصی را جهت به فعل رساندن نیاز و نیت خود انتخاب می‌کنند.	لو (۲۰۱۲)
مهدی مقدری	رابرت پارک و برجس	- آن‌ها بر این باور بودند که در منطقه انتقالی شهر به دلیل سطح بالای تحرک جمعیت، ناپایداری جمعیتی، مهاجرپذیر بودن، گمنامی افراد، خانه‌های مخروبه، ازدحام جمعیت و غیره بالاترین نرخ جرم و بزهکاری مشاهده می‌شود و منطقه نامنی محسوب می‌گردد.	رابز تیلو (۲۰۱۲)
هنری مک‌کی		- ایشان در کتاب حکمرانی خوب و توسعه، دیدگاه و یافته‌های دانیل گافمن را تحلیل و اهمیت آن را در توسعه جوامع مطرح می‌کند و شاخص‌های تئوری و عملی را به استناد قوانین مورد ارزیابی قرار می‌دهد.	
جاکوبس		- معتقد بود که کژرفتاری‌ها در این نقطه از شهر به این دلیل رخ می‌دهد که کنترل اجتماعی غیررسمی مانند افکار عمومی و نظارت همگانی آن قدر قوی نیست که از پیدایش و بروز نابهنجاری جلوگیری کند.	لورنز و یکفیلد و شان تیت (۲۰۱۵)، لو (۲۰۱۲)

بزرگسالان، بیشتر از متغیرهای دیگر در ایجاد فضاهای بی‌دفاع مؤثرند (نیومن، ۱۹۹۶: ۲۸). با مطالعه نظرات و پژوهش‌های انجام گرفته توسط صاحب‌نظران در این زمینه ما را به این مهم رهنمون می‌کند که داشتن فضاهای امن یک شهر امنیت آن را تضمین نموده و استقبال از ایده‌پردازی کارشناسان مسائل شهری می‌تواند نقش عمده‌ای در ایجاد فضای امن و کاهش فضاهای ناامن را رقم زند. نقاط مشترک نتایج نظرات اندیشمندان و محققان بکار گرفته شده در این مقاله، شناسایی عوامل و پردازش خصوصياتی است که باعث



شکل شماره (۲): نظریه های ناامنی در فضای بی دفاع

ایجاد فضاهای بی دفاع شهری می شود.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی، ابزار جمع آوری اطلاعات بر اساس اسناد و مدارک و غیره است. جامعه مورد مطالعه فضای بی دفاع استان اصفهان می باشد. نتایج و یافته های پژوهش برآمده از اسناد و مدارک و جمع آوری داده ها از منابع مختلف نشان می دهد، فضاهایی جزء ناامن ترین فضاها مطرح شده اند که با پهنه های نهایی مسائل جامعه هم پوشانی دارند. در روش مذکور ضمن توصیف موارد، اقدام به تحلیل و تفسیر نیز صورت می گیرد و به ترتیب به طرح سؤال، هدف پژوهش، ارائه یک چارچوب نظری، تعیین منابع، منطبق به شیوه به کارگیری از طریق (اصالت، اعتبار، نمایندگی و معنی) پرداخته شده و سپس گردآوری داده ها مستند به مقالات، کتاب و غیره استفاده شده است و در نهایت به نتیجه گیری منبعت از پژوهش ها و مقالات و غیره که بصورت هدفمند انتخاب شده اند پرداخته شده است. در این مقاله جهت اعتبار پژوهش از نظر اساتید راهنما، کارشناسان و صاحب نظران در پژوهش های انجام شده استناد شده است و اعتبار آن صوری است (بهمنی و محمدی، ۱۴۰۱/۴۰/۲). در این

مقاله از روش کتابخانه ای و با استناد به کتب و نظریات صاحب نظران، مقالات و پژوهشات انجام گرفته استفاده شده است که بر مطالعه هدفمند و نظام مند منابع مبتنی است و محور آن جستجوی توصیفی و اسنادی است؛ اما می توان با آن به تحلیل تبیینی دست زد و پرسش های چرایی را پاسخ داد و نوعی تبیین تفسیری نه اثبات گرایانه ارائه کرد (صادقی فسایی، ۱۳۹۴: ۱۲). این پژوهش به این نکته اشاره دارد که ضمن ترکیب نظرات حاصل از گردآوری منابع از طریق پژوهش ها و مقالات مورد مطالعه، در زمینه مسائل شهری به فضای تعاملی و کنشی محیط، فضا، مکان و انسان ها نیز نظر ویژه داشته و همچنین به مسئله مهم حکمرانی و تأثیر آن بر روند فضاهای شهری به ابعاد امنیت و ناامنی فضا اشاره داشته است؛ که حکمرانی خوب می تواند فضای بی دفاع شهری را به فضای قابل دفاع و مکان های امن تغییر دهد و معکوس آن امنیت شهری را به مخاطره اندازد.

به استناد کتاب حکمرانی و توسعه از مهدی مقدری حکمرانی برابر با دولت نیست؛ و نمی توان حکمرانی را تنها به دولت و روابط بین دولت ها فرو کاست بلکه بسیار



شکل شماره (۴): فضای امن شهری



شکل شماره (۳): فضای بی دفاع

فراتر از آن است (مقدری، ۱۴۰۰: ۱۹-۲۰) اشاره کرد. پیشینه پژوهش پژوهش‌های داخلی: به گزارش خبرنگار ایمناء، فضاهای عمومی شهر فضاهایی است که ساکنان آن در ساعات مختلفی از شبانه‌روز برای انجام فعالیت‌های روزمره خود، انجام معاشرت و تفریح در آن حضور پیدا می‌کنند. این فضاها نقش مؤثری بر کیفیت زندگی شهری دارد و تعیین‌کننده مدت‌زمان حضور و میزان رضایت شهروندان از شهر محل زندگی خود است. فضاها و مکان‌های مختلف شهر تصاویر ذهنی متفاوتی را به شهروندان، مهاجران یا مسافران القا می‌کند و آن‌ها را برای حضور مجدد در آن شهر یا در فضای خاصی ترغیب کرده یا از حضور بازمی‌دارد. فضاهای شهری نقش مهمی در رونق و شکوفایی یک شهر دارد زیرا موجب حضور بیشتر شهروندان و انجام مراودات اجتماعی و اقتصادی می‌شود و به همین دلیل تأمین امنیت و ارتقا کیفیت حضور در این فضاها از اهمیت خاصی برخوردار است. چنانچه کالبد و روح فضاهای شهری فاقد برخی شاخصه‌ها باشد نمی‌تواند

حضور امن شهروندان را ضمانت کند. در این زمینه گفت‌وگویی با «مهدی ابراهیمی»، استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری داشته‌ایم؛ در این گفت‌وگو به مفهوم فضاهای بی‌دفاع شهری و عوامل مؤثر در ایجاد فضاهای ایمن پرداخته شده است. محصل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید. در این گفتگو با تأکید بر مؤلفه کالبدی شهر و مزاحمت در مکان‌های آسیب‌زا به عواملی همانند استفاده نکردن از یک مکان به صورت مستمر یا خلوتی یا شلوغی بیش از اندازه خیابان‌ها، نور کم، مخروبه یا نیمه‌کاره بودن بناها در فضاهای شهری، بی‌نظمی کالبدی، پرپیچ‌وخم یا دنج و گوشه بودن یک مکان، تراکم نامناسب و نبود ساختمان‌های مجاور به‌عنوان عامل فیزیکی فضای بی‌دفاع (به‌خصوص برای زنان) اشاره شده که به افزایش جرم و در فضای بی‌دفاع شهری تأثیر دارد؛ و به تأثیر بیکاری و وجود مشکلات اقتصادی نیز اذعان شده است. سپس به نقش مدیریت شهری در حوزه شورای شهر و شهرداری و چگونگی رفع این معضل نیز پرداخته شده است. در این گفتگو با تأکید بر مؤلفه اجتماعی از طریق آموزش به‌ویژه، نقش

رسانه‌ها به‌ویژه صداوسیما، فضاهای مجازی، روزنامه‌ها، سایت‌ها و مدارس در این زمینه را مهم دانسته؛ و به تشویق مردم به مشارکت در تأمین نظافت و امنیت محله خود به حس مسئولیت‌پذیری شهروندان در مدیریت بهتر این فضاها تأکید می‌شود (عرب‌زاده، ۱۳۹۹).

خاموشی (۱۳۸۷) به نقش طراحی شهری در ایجاد فضاهای عمومی امن در راستای کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی پرداخته است. در این پایان‌نامه موضوع محوری امنیت شهری است. در این راستا راه رسیدن به امنیت را از خلال کاهش جرائم و پیشگیری از آن می‌داند خانم خاموشی در بخش چارچوب نظری خود بیان می‌کند که بخش‌های مختلفی از جامعه در پیشگیری از جرائم و ناهنجاری‌های رفتاری سهیم هستند و دیدگاه‌های مختلفی در این مورد بیان شده است. او در ادامه از جین جاکوبس و اسکار نیومن نام می‌برد که به‌طور مستقیم به جنبه طراحی شهری، طراحی منظر و تأثیر آن بر کنترل جرم پرداخته است. اصول بیان شده توسط این دانشمندان مبنای کار خانم خاموشی در ادامه پیشبرد پژوهش قرار گرفته است. وی اصول برگرفته از چارچوب نظری خود را در نمونه موردی سعدیه شیراز مورد آزمایش قرار داده و در نهایت به راهنمای طراحی و معیارهایی رسیده که می‌تواند طراحان و شهرسازان را در مسیر طراحی خود هدایت کنند.

محسنی تبریزی و قهرمانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان فضاهای بی‌دفاع شهری و خشونت با مبنا قرار دادن خشونت‌های ثبت‌شده در کلانتری‌های شهر تهران به شناسایی برخی از فضاهای جرم‌خیز پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که برخی رفتارهای خشن در نقاط و فضای خاص رخ می‌دهد.

محسن کلانتری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی

جغرافیایی جرائم در بخش مرکزی شهر تهران دنبال بررسی عوامل مکانی و کالبدی تسهیل‌کننده ارتکاب جرائم در این محدوده مرکزی شهر است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد پراکندگی جرائم مورد بررسی در بخش مرکزی شهر به وقوع پیوسته است به این معنی که رفتارهای پرخطر تحت تأثیر ویژگی‌های ساختاری و کالبدی این بخش و قرارگیری ایستگاه‌های مترو و راه‌آهن در این قسمت تأثیر پذیرفته است؛ بنابراین ساماندهی کالبدی این بخش از شهر تهران برای مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی و در کنار اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه اجتماعی و فرهنگی یک ضرورت محسوب می‌شود.

کوزه‌گر کالجی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان شناسایی کانون‌های بحران شهری با تأکید بر مناطق ناامن شهری با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی در شهر سنج به نتایج زیر دست یافته است مناطق حاشیه‌نشین، پیرامونی و اسکان‌های غیررسمی، بسترهایی را برای بروز جرائم فراهم آورده چرا که ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی این مناطق، زمینه بروز اعمال مجرمانه را آماده ساخته است.

خوشدل (۱۳۹۴) در پژوهشی به ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی اراضی انبار نفت به‌عنوان یکی از فضاهای بی‌دفاع و ناامن منطقه یازده تهران پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد این مکان از ویژگی‌هایی نظیر فضای ره‌اشده، متروکه، مخروبه، بدون نظارت، مراقبت و کنترل برخوردار است و کانونی برای وقوع رفتارهای پرخطر و خشونت‌آمیز شده است؛ بنابراین ساماندهی و توانمندسازی کالبدی این فضا برای مقابله با رفتارهای ضداجتماعی ضروری و حیاتی است تا شعاع و دایره بی‌نظمی و ناهنجاری‌های اجتماعی این مکان، به بخش‌های همجوار تسری پیدا نکند.

پژوهش‌های خارجی: بیلر (۲۰۱۱) در پژوهشی

با عنوان برنامه‌ریزی برای امنیت فضاهاى عمومی به ارزیابی و سنجش امنیت در فضاهاى عمومی شهر برلین پرداخته است و از جمله شاخص‌هاى مورد بررسی در این پژوهش می‌توان به علائم، مالکیت، استراحتگاه، روشنایی، تزئینات بصری و هنری، دسترسی دوربین‌هاى امنیتی و غیره اشاره کرد.

رابز تیلو (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «جرائم و مکان مقیاس کوچک در لندن چهار گزاره زیر را در شکل‌گیری کانون‌هاى جرم خیز در لندن مؤثر دانسته است: الف) وجود امکانات و تسهیلات مناسب بزهکاری مانند وجود مشروب‌فروشی، قمارخانه، برخی مجتمع‌هاى آپارتمانی در یک محدوده جغرافیایی باعث تشویق بزهکاران به انجام رفتارهاى مجرمانه در این محدوده می‌شود. ب) ویژگی مکانی مانند دسترسی راحت، نبود گشت و نگهبان، عدم مدیریت اصولی، مجرمین را ترغیب به خشونت در برخی مکان‌ها می‌نماید. ج) وجود اموال یا اشیایی که مطلوب بزهکاران است. د) وجود تعداد بیشتر بزهکاران و داشتن توانایی و انگیزه کافی جهت عمل مجرمانه از دیگر مراحل در شکل‌گیری کانون‌هاى جرم‌خیز در شهر است.

لو (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان الگوهاى فضایی جرائم محله‌ای در شهرهاى کانادا بر اساس نفوذ در محله‌ها و شهرها به بررسی پراکندگی فضایی جرائم شهری در شش شهر کانادا با استفاده از تجزیه و تحلیل مدل چند سطحی و تکنیک رگرسیون فضایی پرداخت. نتایج پژوهش در این شهرها نشان می‌دهد که جرائم شهری به‌صورت تصادفی توزیع نشده‌اند، بلکه در محله‌هاى خاص به‌ویژه در اطراف مراکز شهرها متمرکز شده‌اند. علاوه بر این در شهرهاى بزرگ‌تری مثل تورنتو و مونترال توزیع فضایی جرم‌الگوی پراکنده‌تری را با

چندین کانون جرم‌نشان می‌دهد که این کانون‌ها به مرکز شهر یا مناطق شهری محدود نمی‌شوند بلکه در سراسر شهر پراکنده شده‌اند.

لورنز ویکفیلد و شان تیت (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان جرم و خشونت در فضاهاى شهری «در بین شهروندان کیپ تاون و دوربان آفریقای جنوبی بیان می‌کنند که نرخ خشونت (مشخصاً قتل) در آفریقای جنوبی پنج برابر متوسط جهانی است یعنی متوسط قتل در دنیا ۳۲ نفر در هر صد هزار نفر می‌باشد که این رقم در آفریقای جنوبی ۱۵۰ نفر در صد هزار نفر است. ۶۱۷ نفر نوجوان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که ۶۸/۹ درصدشان شاهد خشونت اجتماعی بوده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که هرچند تبعیض نژادی، فقر و محرومیت، عدم دسترسی به فرصت‌هاى اقتصادی و اجتماعی میراث گذشته جامعه آفریقای جنوبی است. مهاجرت و حاشیه‌نشینی نیز تشدیدکننده خشونت هست و بخش قابل‌توجهی از این رفتارهاى خشونت‌آمیز در سکونتگاه‌هاى غیررسمی شهرها رخ می‌دهد.

جمع‌بندی پیشینه پژوهش

در یک جمع‌بندی از داده‌هاى مقالات و پژوهش‌هاى مورد بررسی، وجوه اشتراک به مضامین تأثیر فضای بی‌دفاع بر انواع خشونت و جرائم و انحرافات و کژرفتاری‌هاى رفتاری، جنسیتی و اقتصادی، مهاجرت و حاشیه‌نشینی اشاره، شده بود. ضمن اینکه در بعضی از آن‌ها علاوه بر موارد مذکور به نقش دولت‌ها و حکومت‌ها و برخی نیز عدم نظارت و کنترل رسمی و غیررسمی را مطرح کرده بودند. وعده‌ای نیز به عدم برنامه‌ریزی در طراحی درست کالبد شهر نظر داشتند. وجه تفاوت پژوهش مورد نظر نگارنده با پژوهش‌هاى مورد مطالعه، با ترکیب و تلفیق عوامل مندرج در مقالات استخراج شده، به نقش حکمرانی و نهادهاى مدنی،

سرمایه اجتماعی و آموزش امنیت از طریق نمایه‌های همکاری و کاربردی گروهی اشاره داشته است؛ که عوامل بیان شده در پژوهش‌ها محقق نمی‌شود مگر با خردجمعی در ایجاد حکمرانی خوب، صرف‌نظر از هر نوع بینش‌های شخصی و اعتقادی؛ و اینکه محتوای فوق با فراتحلیل امکان کاهش فضای بی‌دفاع را شاهد خواهد بود. چرا که توجه به حکمرانی معنادار و واقع‌بینانه می‌تواند به بهبود فضای امن شهری بیافزاید.

نتیجه‌گیری

فضاهای بی‌دفاع شهری که مهم‌ترین مؤلفه در کاهش امنیت است، در همه جوامع و در همه نقاط شهری قابل رؤیت و مشاهده هستند؛ که علاوه بر ترس مردم از حضور در این فضاها، نوعی بی‌اعتمادی را در افراد نسبت به هم به وجود می‌آورد و هم ارتباطات اجتماعی و فردی افراد را متأثر می‌سازد. طراحی و برنامه‌ریزی در فضایی امن جهت تنظیم ارتباط بین انسان و فضایی که در آن اسکان دارد مورد توجه و تبیین مسئله است که هدف از آن تنظیم، بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌ها در ارتباط بین فضا و ساکنان یا همان انسان‌هاست. همچنین بی‌توجهی نسبت به مسائل شهری و عملکرد کارگزاران شهری، در چگونگی بافت شهری و در طراحی کالبد فضای شهری است که بر میزان انواع رفتارهای مخاطره‌آمیز و خشونت‌زا می‌افزاید و عدم توجه به این مقوله محیط شهر را ناامن و بی‌دفاع می‌کند و منجر به ترس مردم از حضور در این فضاها می‌گردد. علل شکل‌گیری فضای ناامن بی‌دفاع در شهرها، متأثر از ناکارآمدی حکمرانی و تحولات صنعتی همراه با رشد شهرنشینی و ازدیاد جمعیت و اثر مدرنیته بر کالبد فیزیکی و اجتماعی فضای شهری می‌باشد؛ که ضرورت دارد در کاهش این مهم برنامه‌ریزی منسجم و کارآمدی ارائه گردد.

به استناد کتاب حکمرانی و توسعه از مهدی مقدری حکمرانی برابر با دولت نیست؛ و نمی‌توان حکمرانی را تنها به دولت و روابط بین دولت‌ها فرو کاست بلکه بسیار فراتر از آن است (مقدری، ۱۴۰۰: ۲۰-۱۹). اشاره کرد. متأثر از این گفتمان تفسیر نگارندگان چنین است که فونکسیون هر عمل اجتماعی نیازمند خردجمعی (حکمرانی خوب) است و برای توسعه اجتماعی اعم از مسائل اجتماعی و فرهنگی و غیره به‌ویژه در حوزه توسعه فضای امن شهری و جلوگیری از گسترش بی‌رویه فضای بی‌دفاع شهری، ضرورت سنخ حکمرانی که یکی از آیتم‌های مهم دگرگونی‌ها و تغییرات حاصل از تولیدات عصر نوین است را می‌طلبد و خود تغییری در همه ابعاد حکمرانی اعم از دولت که قسمی از این حکمرانی است و نهادهای مدنی و مردم نهاد و بخش خصوصی در جهت توسعه پایدار شهری و جلوگیری از تخریب بیشتر این فضا به فضای بی‌دفاع در هر قالبی که باشد، صرف‌نظر از نگاه ایدئولوژیکی با استفاده از نگاه مرجع دانشگاهی، به این امر پوشش دهد. چرا که توجه به حکمرانی معنادار و واقع‌بینانه می‌تواند به بهبود فضای امن شهری بیفزاید. عدم توجه به اصول طراحی و کالبدی معیارهای فضای قابل دفاع من جمله عدم وجود عناصر فیزیکی برای واپایش دسترسی‌ها، فقدان علائم و نشانه‌های مناسب در جایگاه‌های لازم و بی‌توجهی به ساختار فضایی مناسب، توجه نکردن به موانع دید و مسیرهای دورافتاده و نظارت طبیعی، بی‌توجهی به نگهداری و بهداشت فضا و غیره در بسیاری از فضاهای شهری عوامل مهم در شکل‌گیری فضاهای غیرقابل دفاع در محیط شهری اصفهان هستند؛ که نقش و عملکرد حکمرانی و شاید بتوان گفت نافرمانی‌های مدنی و چالش‌های آن را برجسته‌تر می‌کند. همچنین رفتارهای ناشی از بی‌نظمی همراه با زوال فضای فیزیکی

عامل وقوع جرم‌ها بوده و مکان‌هایی تولید می‌کنند که افراد را برای رفتارهای خشونت‌زا جذب می‌کنند؛ و این لامکان‌ها بر بار فضاهای مستعد جرم می‌افزاید؛ و این پژوهش به این نکته مهم می‌پردازد که این افراد در گیر رفتارهای خشونت‌زا همراه با مکان‌های مستعد جرم، در تعاملات خود با دیگر افراد در محیط‌های گوناگون، دیگرانی را که در این قصه نبوده‌اند درگیر نموده و آن‌ها را با خود در جرائم همراه نموده و بر آمار مجرمان می‌افزایند ضمن اینکه از طریق افراد ناشی و تازه وارد به سایر لامکان‌ها دسترسی پیدا کرده و یک زنجیره متصل که همگون باهم در انسجام گروهی کوشش نموده و با حفاظت از دور در فضاهای غیرقابل دفاع مشروعیت خود را در بین همگنان به تصویر می‌کشند. خصوصاً مکان‌هایی که از نظارت عمومی پنهان هستند و بیشتر جرائم در این مکان‌ها اتفاق می‌افتد و محیط شهری قابل دفاع با این رنج عملکردی، کم‌کم هویت اصلی خود را به بیگانگی از خود ارمغان می‌دهد؛ بنابراین ضرورت یک طرح و برنامه همراه با اولویت در سیاست‌ها و راهکارهای ارائه شده همراه با همکاری و همیاری و بینش همدلانه می‌تواند شدت وحدت زیر عامل‌ها را مشخص و مرتفع نماید. راهکارهای پیشنهادی از آنچه در پژوهش‌های پیشین بیان شده مطرح می‌شود. باشد که در این رهگذر قابلیت اجرایی داشته باشد.

توجه به گویه‌های مهم سرمایه اجتماعی: از جمله کیفیت آموزشی، سیستم حمل‌ونقل شهری اعم از جاده‌ها، امنیت و سلامت در زمینه مسائل بهداشتی (خصوصاً شرایط حاصل از بحران بیماری‌های همه‌گیری مانند کووید و غیره) و بحران‌های غیرمترقبه‌ای (مانند سیل و زمین‌لرزه) که نظم طبیعی شهر را طی چند روز و یا چند هفته به هم می‌زند،

ضرورت حکمرانی خوب و مطلوب و معنادار را ایجاب می‌کند که همه صاحب‌نظران اعم از دولت، توده‌های مردم و نهادهای مدنی را به یک یکپارچگی در جهت جهش و نردبانی جهت گذر از فضای بی‌دفاع و تغییر آن به یک چشم‌انداز دفاع شهری برساند و این مهم به دور از چالش‌ها و بینش‌های متفاوت باشد تا بتوان از همه ظرفیت‌های در این امر بهره برده شود. با توجه به اینکه فضاهای بی‌دفاع عامل مهم انواع رفتارهای پرخطر است و آسیب‌های حاصل از آن علاوه بر کاهش امنیت اجتماعی، می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات عمده بر ساختار جامعه باشد و اینکه حفظ موقعیت‌های زندگی اعم از امنیت، آسودگی و آرامش خاطر از مؤلفه‌های مهم توسعه پایدار در امور شهروندی است کنترل و نظارت بر این امور با حکمرانی خوب از سوی دولتمردان، بخش خصوصی و جامعه مدنی با گرفتن ایده‌از صاحب‌نظران و کارشناسان امر ضرورت دارد. تا احتمال وقوع رفتارهای خشونت‌بار به حداقل برسد و جامعه بی‌دفاع شهری کم‌رنگ‌تر گردد، چرا که فضای بی‌دفاع شهری علاوه بر اینکه مکانی فیزیکی میان حوزه خصوصی و عمومی است، بر بسیاری از پیش‌فرض‌های اجتماعی که مؤلفه مهمی در امر پایداری و امنیت شهری و سیاسی است اثر غیرقابل انکاری دارد و مناسبات انسانی را چالش برانگیز می‌کند.

پیشنهاد‌های کاربردی:

- ۱- کنترل و نظارت جدی بر ساختمان‌های در حال ساخت که مدتی به صورت نیمه‌کاره باقی مانده که خود فضای مناسبی جهت نوعی از آسیب‌ها مانند استعمال مواد مخدر و انجام خشونت‌های غیراخلاقی است.
- ۲- ایجاد فضای انگیزشی مدنی جهت هماهنگی و همکاری در بعد کارکردی و کارآمدی.
- ۳- آموزش افراد جهت شناخت مکان‌های آسیب‌زا در

حوزه خصوصی و عمومی و جلوگیری از تعدد آن‌ها در این فضاها از طریق نهادهای فرهنگی و ورزشی مانند آموزش و پرورش و کانون‌های ورزشی و غیره.

۴- ایجاد فضاهای کوچک کتاب‌خوانی، شعرخوانی، مکان‌های ورزشی خانوادگی در فضاهای ناامن پارک‌ها با نظارت مسئولین ذیربط که می‌تواند علاوه بر ترویج کتاب‌خوانی، ارتباط سازنده‌ای بین افراد به وجود آورد و منجر به کاهش رفتارهای ناهنجار در فضاهای بی‌دفاع می‌گردد.

۵- تغییر در بافت فضاهای شهری، اعم از پارک‌ها، مدارس و آموزشگاه‌ها، پایانه‌ها و نقاط کور که جزء عوامل مهم پرخطر برای افراد است. خصوصاً کودکان و زنان که بیشتر در معرض آسیب هستند.

۶- برنامه‌ریزی شهری همراه با سازمان‌دهی مبنی بر توجه ویژه بر یکسان‌سازی در توزیع امکانات رفاهی و امنیتی در محیط‌های شهری توسط کارگزاران و برنامه‌ریزان شهری.

۷- توجه ویژه حکمرانان و مسئولین نسبت به مسائل شهری و فضاهای بی‌دفاع می‌تواند محوریت موضوع را رصد نماید.

۸- در قسمت‌هایی از بافت‌های سنتی که کوچه‌های بن‌بست وجود دارد قرار دادن درب ورودی کوچه می‌تواند از بسیاری از رفتارهای آسیب‌زا جلوگیری کند.

۹- کنترل تعداد افراد وارد شده در اتوبوس‌ها و مترو با کم کردن زمان رفت و برگشت وسایل نقلیه و افزایش تعداد آن‌ها.

۱۰- مداخله مدیریتی در امور زیستی- محیطی و فیزیکی- اجتماعی جهت افزایش امنیت و حس اعتماد در افراد که تا حدی از ترس حضور آن‌ها در محیط‌های ناامن بکاهد و پشتوانه‌ای را برای حفاظت و امنیت احساس نمایند.

۱۱- برگزاری مسابقات ورزشی و کتاب‌خوانی در فضاهای آزاد و ناامن پارک‌ها و نقاط حاشیه‌نشین و سایر مناطقی که دارای فضاهای دنج و خلوت هستند.

۱۲- ساماندهی نیروهای کار آزاد، دست‌فروشان، کیوسک‌های موجود و نظارت دقیق بر فعالیت آن‌ها.

۱۳- بازسازی مکان‌های مخروبه، متروکه و رها شده که نرخ خشونت بالایی دارند و معمولاً بسیاری از جرم‌ها در این فضاها اتفاق می‌افتد.

فهرست منابع

- ابراهیمی جم، احمدیان رضا، (۱۳۹۲)، علل شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع شهری در پایانه غرب شهر تهران، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۱ (۴)، ۵۳-۷۶.

- اقوامی نیکو ماجدی حمید، سعیده زرآبادی زهرا سادات، تبیین مؤلفه‌های کالبدی ریخت‌شناسانه در فضای شهری (نمونه مطالعاتی: محله قیصریه شهر تهران).

- پروین، ستار؛ شالچی، سمیه، (۱۳۹۷)، مطالعه تأثیرات اجتماعی- فرهنگی پروژه‌های شهری (مورد مطالعه: بزرگراه سعیدآباد)، نشریه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۵، ۱۱۳-۸۱.

- پیری عیسی، (۱۳۹۶)، تحلیل نقش سرمایه اجتماعی در کارآفرینی و توسعه اقتصادی کلانشهرها در شرایط تحریم دولت (مطالعه موردی: کلانشهر تبریز)، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۴ (۲).

- حاتمی نژاد حسین، رحمت علی دورالدین زاده، کواکی اسماعیل، (۱۳۹۴)، ضرورت سنجش و توانمندسازی سرمایه اجتماعی در بهسازی بافت‌های فرسوده شهری مطالعه موردی: محله سرشور مشهد، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۲ (۱).

- رحیمی کاظم؛ رضاپورسدرده مجتبی؛ بخشایی آرش؛ رحیمی سجاد، (۱۳۹۹)، رابطه احساس امنیت در فضای مجازی با اعتماد بین فردی میان رشته‌ای، نشریه مطالعات

- روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۴ (۴۷)، ۱۸۳ - ۱۹۸.
- زرقانی سیدهادی، حجازی جوشقانی محسن، (۱۳۹۴)،
 ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر تمایل به
 مشارکت اعضای شورای اجتماعی محلات مشهد، مجله
 جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۲ (۲).
- زیاری کرامت‌الله، فرهادی خواه حسین، کلانتری محسن،
 (۱۳۹۵)، بررسی فضاهای بی‌دفاع شهری در سطح محله
 (مورد مطالعه: محله هرنندی تهران)، پژوهشنامه جغرافیای
 انتظامی، ۴ (۱۵)، ۲۹-۵۶.
- عرب‌زاده بهناز، (۱۳۹۹)، چگونه می‌توان امنیت فضاهای
 بی‌دفاع شهری را تامین کرد؟، خبرگزاری ایمننا، کد خبر،
 ۴۷۰۶۱۶.
- عبدالخانی نژاد. طلوعه، منوری سید مسعود، زارعی
 سعید، (۱۳۹۶)، ضرورت انتخاب مدل بهینه مکان‌یابی
 لندفیل‌های شهری در راستای آمایش سرزمین و توسعه
 پایدار، علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۹ (۵).
- مومنی مهدی، مبارکی امید، جنابی نرگس، (۱۳۹۲)،
 آمایش سرزمین و مدیریت توسعه فضایی (مورد مطالعه:
 شهرستان ملکان)، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری،
 ۵ (۱۳).
- محسنی رضاعلی، میکائیلی جعفر، طالب اکبر، پاییز
 و زمستان، (۱۳۹۵)، تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین
 فضاهای بی‌دفاع شهری با خشونت‌های شهری (مورد
 مطالعه شهر تهران)، فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی
 معاصر، ۵ (۹).
- مرتضایی گلناز، محمدی محمود، نصراللهی فرشاد،
 قلعه‌نویی محمود. (۱۳۹۶)، بررسی ریخت‌گونه شناسانه
 بافت‌های مسکونی جدید در راستای بهینه‌سازی مصرف
 انرژی اولیه مطالعه موردی: سپاهان شهر.
- موسی‌زاده حسین، بزّی خدارحم، میرکتولی جعفر،
 فرخزادمحمد، (۱۳۹۶)، امکان سنجی و بسترسازی توسعه